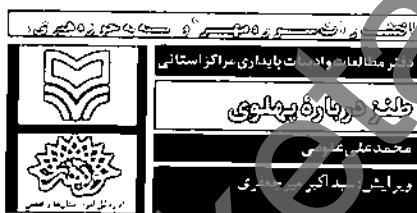


www.ketab.ir

محمد علی علومی





چاپ، صحافی و لیتوگراف: شرکت انتشارات (سهامی عام)

چاپ اول: ۱۳۹۰

شمارگان: ۲۵۰۰ نسخه

قیمت: ۱۰۵۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۷۵-۲۸۴-۱

نقل و چاپ نوشته‌ها منوط به اجازه رسمی از ناشر است.

سرشناسه: علمی، محمدعلی، ۱۳۴۰ -

عنوان و نام پدیدآور: طنز درباره پهلوی / محمدعلی

علمی

مشخصات نشر: تهران: شرکت انتشارات سوره مهر، ۱۳۹۰

مشخصات ظاهری: ۶۰۰ ص: مصور

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۷۵-۲۸۴-۱ / ریان: ۱۰۵۰۰

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: طنزهای سیاسی ایرانی -- قرن ۱۴

موضوع: ایران -- تاریخ -- پهلوی، ۱۳۰۴ - ۱۳۵۷ --

لطیفه، هجو و طنز

موضوع: ایران -- سیاست و حکومت -- ۱۳۰۴ - ۱۳۵۷

-- لطیفه، هجو و طنز

شناسه افزوده: شرکت انتشارات سوره مهر

رده بندی کنگره: ۹۵ ط۲۵ / PIR1۵۱

رده بندی دیویی: ۸۱۷/۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۱۷۱۹-۳۶۰

نشانی: تهران، جابان خاتط، جابان رشت، پلاک ۲۳

صندوق پستی: ۱۱۴۴ - ۱۵۸۱۵ / تلفن: ۶۶۴۷۷۰۰۱

تلفن مرکز بخش: ۶۶۴۶۹۹۵ / فکس: ۶۶۴۶۹۹۳

www.irica.p.com

- مقدمه و توضیح | ۱۵
اصلاحات ارضی | ۱۹
حق و حقوق دولت / خسرو شاهانی | ۲۰
یادداشت بر «حق و حقوق دولت» اثر خسرو شاهانی | ۲۹
مقدمه و شرح بر ساواک | ۳۲
پهلوان محله ما / خسرو شاهانی | ۳۳
یارو مأموره / خسرو شاهانی | ۴۵
آلمانی / پرویز دواپی | ۵۵
یادداشتی بر «آلمانی» - پرویز دواپی | ۶۲
وظیفه‌شناس / اسلام کاظمیه | ۶۷
درباره «وظیفه‌شناس» | ۷۲
زندگی در رژیم پهلوی | ۷۵
جشن در آخرت / خسرو شاهانی | ۷۷
ایستادن ممنوع / خسرو شاهانی | ۹۴
پینه‌دوز / خسرو شاهانی
شرحی بر چند داستان کوتاه طنز از خسرو شاهانی | ۱۰۴
چرخ و فلکی / خسرو شاهانی
زنان نیکوکار / محمد پورثانی | ۱۱۲
تکذیب / محمد پورثانی | ۱۲۰
راجع به «زنان نیکوکار» و «تکذیب» محمد پورثانی | ۱۲۶

- «پاچه خیزک» | ۱۲۹
- مقدمه بر «زن در رژیم پهلوی» | ۱۳۱
- «نظر قربانی» / اسلام کاظمیه | ۱۳۳
- بررسی «نظر قربانی» از اسلام کاظمیه | ۱۶۷
- شوهر آمریکایی / جلال آل احمد | ۱۷۹
- جشن فرخنده / جلال آل احمد | ۱۹۴
- مقامات و دولتمردان | ۲۱۳
- رئیس الوزرا / خسرو شاهانی | ۲۱۴
- بازدید / خسرو شاهانی | ۲۲۴
- نشان علمی قلم پور میرزا / ابوالقاسم یابنده | ۲۳۵
- نشان یابنده | ۲۴۳
- یادداشت بر «آقای حجامت» از نصرالله فلسفی | ۲۴۵
- آقای حجامت وکیل دادگستری و وکیل مجلس | ۲۴۷
- شعر در زمان رژیم پهلوی | ۲۵۳
- «سفر عاشقانه» / طاهره صفارزاده | ۲۵۵
- سفر هزاره / طاهره صفارزاده | ۲۷۲
- یادداشت بر «سفر هزاره» | ۲۷۸
- مرد و مرکب / مهدی اخوان ثالث | ۲۸۱
- یادداشتی بر «مرد و مرکب» از اخوان ثالث | ۲۹۰
- جدول / عمران صلاحی | ۲۹۶
- اشک و خنده | ۲۹۶
- شرحی بر اشعار و طنز عمران صلاحی | ۲۹۸
- تو فقط خوبی / عمران صلاحی | ۳۰۰
- اخبار / عمران صلاحی | ۳۰۳
- سه صحنه / عمران صلاحی | ۳۰۵
- من «بیجه جوادیه» ام | ۳۰۶
- تو فقط خوبی | ۳۱۵
- من «بیجه جوادیه» ام | ۳۱۷
- سخنی درباره نشریه طنز و فکاهی «توفیق» | ۳۱۹
- معرفی «توفیق» | ۳۲۱
- تبدیل اسامی / گردآوری: عمران صلاحی | ۳۲۱

آمد و رفت، شرکت نفت | ۳۲۲

پرت و پلا | ۳۲۳

افسار حقیقی | ۳۲۳

قطعه | ۳۲۴

آمد برون | ۳۲۴

مال بد | ۳۲۵

فینه ندانم | ۳۲۶

جستار خیز بلی | ۳۲۶

این‌ور دلم اوفینا | ۳۲۷

آن کس که... | ۳۲۸

فکاهی | ۳۲۹

کتاب مستطاب روان‌شناسی / از کیومرث صابری | ۳۳۰

نمونه آثار در توفیق | ۳۳۲

هشت روز هفته | ۳۳۲

کلاس مبارزه یا بی‌سوادی | ۳۳۵

کتاب مستطاب قاراشمیش | ۳۳۵

ایدون باد... ایدون تر باد! | ۳۳۸

سفرنامه ابوالپیاده | ۳۴۰

اندر بیان «پیاده‌رو» | ۳۴۰

در نقل و انتقالات و مأموریت | ۳۴۲

در مقررات من در آوردی! | ۳۴۳

سؤال بی‌جواب | ۳۴۵

سنت اجدادی | ۳۴۹

آی پیبی پیبی جان (۱) | ۳۵۱

حزب خران | ۳۵۳

این‌است نتیجه اتحاد خران | ۳۵۴

دنیا به‌زیر سم ماست | ۳۵۴

اساس‌نامه حزب خران | ۳۵۴

پشت کار عضویت | ۳۵۵

اولین اعضای حزب: | ۳۵۵

سند خریّت کاکا توفیق | ۳۵۵

کا کا: ۳۵۵

حاشیه ای بر سند خریت کا کا | ۳۶۳

جواب کا کا: | ۳۶۵

انترناسیونالیسم خران | ۳۶۷

حزب بر اگیر خران: | ۳۶۷

حزب پرومند خران | ۳۶۸

جواب کمیته خر بگیری | ۳۶۸

بیوگرافی یادمجون | ۳۷۰

شغل! | ۳۷۳

محاکمه بزرگ | ۳۷۳

فیلم هفته: | ۳۷۳

بر باد رفته | ۳۷۳

رشته | ۳۷۳

هر کی دره من دالونم، هر کی خره من پالونم | ۳۷۴

«مزاحم» | ۳۷۴

داستان واقعی: | ۳۷۶

جایی که چکمه را از پای پایور دزدیدند | ۳۷۶

لخواب مختاری | ۳۸۱

ای حضرت اشرف | ۳۸۳

بنده زر خرید | ۳۸۵

عصای من | ۳۸۷

زد با عصا مرا | ۳۸۹

اسباب تعجب! | ۳۹۱

ای وکیل | ۳۹۱

عرب جون! | ۳۹۳

دم گاوا! | ۳۹۵

گفتم: بله قربون، بله قربون، بله قربون؟ | ۳۹۷

مشاعره | ۳۹۸

لطایف الطوایف | ۴۰۱

مقدمه بر «فکاهی» | ۴۰۲

«نفث و تنبغات» | ۴۰۴

طنز
در باره
پهلوی

سالنامه گل آقا سال ۱۳۷۱، توضیح از عمران صلاحی / رهی معیری | ۴۰۵

بزرگان ما | ۴۰۵

کوچه باغی | ۴۰۶

غوغای انتخابات! | ۴۰۷

نیش و نوش | ۴۰۸

ستون بی عنوان | ۴۰۹

لاشخور شماره ۱ | ۴۱۱

لاشخور شماره ۲ | ۴۱۲

مع علی موجودی | ۴۱۳

درد دل باباشمل | ۴۱۵

بخشی از یک مقاله رضا گنجی | ۴۱۹

در کشور ملانصرالدین | ۴۱۹

موضوع انشا | ۴۲۱

وکالت | ۴۲۱

آوازه‌های کوچه باغی | ۴۲۲

روزنامه | ۴۲۳

میهن پرستان (شماره ۴۹) | ۴۲۳

مهر ایران (شماره ۴۲۰) | ۴۲۳

اطلاعات (شماره ۵۲۳۱) | ۴۲۴

ستاره (۱۵۷۷) | ۴۲۴

میهن (شماره ۲۱) | ۴۲۴

رهبر (شماره ۱۳۲) | ۴۲۵

دماوند (شماره ۱۱) | ۴۲۵

نجات ایران (شماره ۲۱۳) | ۴۲۵

از ما می پرسند | ۴۲۶

برهان قاطر | ۴۲۶

این هم نمونه‌ای از برهان قاطر: | ۴۲۷

مجنون خارکن! | ۴۲۹

مجهول‌المکان! | ۴۳۱

از: «م. اصفهان» | ۴۳۳

فکر نو! | ۴۳۴

مالیاتى! | ۴۳۶

ریاست کارا! | ۴۳۹

شوخی در محافل جدی | ۴۴۱

فکاهی | ۴۴۱

خشم سیهید | ۴۴۱

تدبیر | ۴۴۲

دستگیری هر دو نفر | ۴۴۱

فرمان | ۴۴۲

علی‌رغم | ۴۴۲

رضا خان و شاعر | ۴۴۲

دعای نماینده‌ها | ۴۴۲

از کتاب «شوخی در محافل جدی» | ۴۴۳

«زنده باد، مرده باد!» | ۴۴۳

«دستور محرمانه» | ۴۴۳

«احضار وزیر» | ۴۴۴

«وکیل تازه‌کار» | ۴۴۴

«هوش فرزند وزیر» | ۴۴۴

«هزاره ابوعلی سینا» | ۴۴۵

«شیر» | ۴۴۵

«تناسخ» | ۴۴۶

«خریت!» | ۴۴۶

«ژاندارم مرغی» | ۴۴۷

«فحش ندهید» | ۴۴۷

«نفت خوش طعم» | ۴۴۷

«دفاع از وطن» | ۴۴۷

«شاخ گاو» | ۴۴۸

«رأی به سناتور» | ۴۴۸

«رام و ریم» | ۴۴۸

«اعتراف» | ۴۴۹

«خان» | ۴۴۹

کمدی موزیکال اشک انگیز | ۴۵۰

طنز

دریاد

پهلوی

۱۰

«گروه فرهنگی آدینه» | ۴۵۰

مجازات دو مفسد فی الارض / خسرو شاهانی | ۴۵۵

دولا بشوید و الماس جمع کنید / خسرو شاهانی | ۴۵۷

روایای صادقانه (دزد بازار) / خسرو شاهانی | ۴۵۸

«یک طرف» خسرو شاهانی | ۴۶۰

«۱۷دی» خسرو شاهانی | ۴۶۱

لغت نامه فحش! | ۴۶۲

ناز شست! | ۴۶۳

اضافه حقوق ورا / خسرو شاهانی | ۴۶۴

سورت برسد | ۴۶۵

بشنو و باور مکن / خسرو شاهانی | ۴۶۷

معجزه دستمال / خسرو شاهانی | ۴۶۹

توضیح درباره اشعار طنز «ابو تراب خلی» | ۴۷۰

قسمت هایی از کتاب موسی (ع) | ۴۷۵

نطفه انقلاب | ۴۷۷

در آغوش خلق | ۴۸۰

جنبش خلق | ۴۸۲

قسمت هایی از کتاب علی (ع) | ۴۸۷

داستان شتر | ۴۸۷

نامه معاویه به علی | ۴۹۱

پاسخ علی (ع) به نامه معاویه | ۴۹۳

کلمه حق یراد بها الباطل | ۴۹۵

شهادت علی | ۴۹۷

سرودن شعر در لحظات حساس تاریخی | ۴۹۹

شرکت ملی شعر ایران | ۵۰۳

مش علی! | ۵۰۴

از هر سری صدایی! | ۵۰۶

قلم داریم تا قلم | ۵۰۸

ناهار و نهار! | ۵۱۱

بخند! | ۵۱۴

خیال خام! | ۵۱۵

- عصای موسی...! | ۵۱۷
- دو کلمه حرف حسابی | ۵۱۹
- اندر تنای صاحب عصا! | ۵۲۱
- برای رونق کشاورزی؟! | ۵۲۵
- جوندار و سمور! | ۵۲۶
- اندر بیان آن کدخدایی کی در ملک عرب | ۵۲۶
- فانی کردن آنک «جونداری» در آن محیط زیستن کرده و ... | ۵۲۷
- در بیان برآشتگی و تصمیم بر آن کی | بی گوشمالی کسان را نشاید! | ۵۲۸
- عزم کردن به تشریف بر من در نزد آن کدخدا | ۵۲۹
- در بیان چگونگی وسایل پذیرایی و آشکاره شدن نام آن «جوندار» | ۵۳۰
- شرح آن گریه کی خود به خود سمور می بود و زیر بار نرفتن | ۵۳۱
- اندر بیان اندر قفس کردن آن سمور و مفقودالاثر شدن ... | ۵۳۴
- بقیه داستان جوندار و سمور | ۵۳۷
- مقاله | ۵۳۹
- یادداشت بر «نقد و فرهنگ» از دکتر شریعتی | ۵۴۰
- «در باب عشق» | ۵۴۳
- «نقد و فرهنگ» دکتر علی شریعتی | ۵۴۵
- امام حسین (ع) و یزید از دکتر علی شریعتی | ۵۴۸
- باب عشق از دکتر علی شریعتی | ۵۵۲
- یادداشت بر «گنهکاران بی گناه» | ۵۵۵
- گنهکاران بی گناه/ باستانی پاریزی | ۵۵۷
- «خسرو انوشیروان» | ۵۷۶
- تتبعات تاریخ | ۵۷۸
- «خسرو انوشیروان» | ۵۷۸
- خسرو و مرد زشتروی | ۵۸۲
- یک تتبع تاریخی دیگر! | ۵۸۶
- اختلاس | ۵۸۹
- خلع | ۵۹۱
- نفت | ۵۹۵
- قصیده | ۵۹۷

تقدیم به

بزرگان طنزنویسی ایران، استادان:
منوچهر احترامی، کیومرث صابری، عمران صلاحی و خسرو شاهانی

قدردانی و تشکر

گردآوری این مجموعه، حاصل یاری‌های گروه زیادی از دوستان است.
از همه آنها سپاسگزارم. آقایان: سیدعلی میرفتاح، حسن شریعتی، روح‌الله سیهری،
علی مهرانی، منصور فخرزاده و حسین نصراله زنجانی.
همچنین تشکر ویژه دارم از زنده یاد استاد منوچهر احترامی که با راهنمایی‌های
گرانقدر ایشان، مجموعه حاضر فراهم گشت.

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران به دلیل ماهیت و نحوه شکل گیری، یکی از مهم ترین حرکت های سیاسی و اجتماعی قرن بیستم به شمار می آید.

این انقلاب از نخستین روزهای پیروزی توجه بسیاری از صاحب نظران سیاسی را به خود جلب نمود و همواره طی سه دهه گذشته، یکی از موضوعات اصلی مورد پژوهش در مراکز علمی، تحقیقاتی و سیاسی داخلی و خارجی بوده است.

بدیهی است ابعاد حرکت آزادی خواهانه و دینمدارانه مردم ایران به رهبری امام خمینی (ره) چنان گسترده است که به رغم تلاش های مختلفی که با هدف واکاوی وقایع و بازشناسی آنها صورت گرفته، همچنان حقایق فراوانی از چشم علاقه مندان آگاه و ناظران بی طرف یا پنهان مانده و یا تحت الشعاع برخی نوشته ها و مطالب غرض آلود مخالفان قرار گرفته است. به همین دلیل گفتن و نوشتن پیرامون ابعاد و زریای مختلف انقلاب اسلامی از سوی مبارزان، شاهدان، نویسندگان و محققان متعهد ضرورتی غیر قابل انکار به شمار می آید.

تاریخ انقلاب اسلامی از جهات متفاوتی قابل بررسی و تحقیق است. کتاب «طنز درباره پهلوی» از منظر ادبیات طنز، اوضاع اجتماعی، سیاسی و فرهنگی دوران پهلوی را با بهره گیری از داستان های شاخص و نقد آن ها به تصویر درآورده است.

دفتر مطالعات و ادبیات پایداری مراکز استانی
اداره کل امور استان ها

مقدمه و توضیح:

□ رژیم پهلوی مانند باقی اسلاف سلطنتی و پادشاهی نظیر قاجاریه، افشاریه، صفویه و دهها «دایه» دیگر، بخشی از تاریخ ایران را اشغال کرد و رفت... شباهت‌ها و تفاوت‌هایی میان آن سلسله‌های پادشاهی با پهلوی‌های اول و دوم وجود دارد. در دوره قاجاریه و قبل از آن، نفت کشف نشده بود و اساس معیشت و زندگی مردم ایران که تا پیش از مشروطه، به طور رسمی رعیت نامیده می‌شد، بر مبنای کشاورزی و روابط ارباب و رعیتی و یا دامپروری و نظام عشایری بود. در آن شرایط و روابط، ایالت‌ها و ولایت‌های مملکت به اشخاص متنفذ و ثروتمند، اغلب اطرافیان شاه و درباری‌ها بودند، داده می‌شد و آنها ناگزیر بابت هر ایالت و ولایت ثروتمند، مبلغ کلانی به مقامات بالا، مانند وزیر و به خصوص به شاه، باج می‌دادند و در عوض، طی زمان زمامداری خود، معمولاً سلطانی بلامنازع بودند و با دریافت انواع باج و خراج از جماعت زیردست، بار خود را تا هفت پست می‌بستند. به این ترتیب هر منطقه و هر ایالت برای خود شاهی داشت و شاه اصلی، شاه شاهان، شاهنشاه نامیده می‌شد.

□ با کشف نفت ایران که همزمان شده بود با زوال قاجار و قدرت پهلوی اول، اوضاع ایران به تدریج تغییر کرد و ناگزیر می‌بایست با جهان جدید تطبیق یابد، بازار وسیع و قدرتمند جهانی با صناعی که گسترش روزافزون داشتند، به مملکت امن با حکومت مقتدر مرکزی احتیاج داشت. روابط کهن، در حال تجزیه و نابودی بود و مدرنیته اجباری در سطح شکل و با تقلیدی سطحی و بی‌مایه و البته مسخره و مضحک، اما به

طرزی بسیار خشن و بربر مآب از سوی حکومت جدید بر مردم کشور تحمیل می‌شد. همین موضوع، یعنی تجدّد سطحی و ساختگی و وارداتی همراه با استبداد وسیع حکومت، باعث تناقض‌هایی می‌شد که هم خنده‌آور و هم دردناک و غم‌انگیز بود. بسیاری از طنزنویسان شریف، با سلاح طنز به نقد و حتی تمسخر رفتارهای حکومت پهلوی در هجویه‌ها و فکاهیات و یا شعر و داستان طنز پرداختند.

مثالی بیاوریم: همه مردم ایران و تمام آگاهان سیاسی در جهان می‌دانند که استعمار کهنه‌کار انگلیس در جنبش ملی شدن نفت ایران، صدماتی سخت از مردم و رهبران وقت جنبش، تحمل کرد. کار به دیوان لاهه کشید و مردم ما از آن داوری جهانی، سربلند و بر حق بیرون آمدند. استعمار کهنه‌کار با یاری ابر قدرت آمریکا که از کنار دو جنگ ویرانگر جهانی، تبدیل به قدرت برتر اقتصادی در جهان شده بود، همه ادعاهای لیبرال مآب خود مانند حق تعیین سرنوشت، حق آزادی و... را کنار گذاشته و علیه دولت مصدق طرح کودتا ریختند. این طرح ناموفق ماند و محمدرضا پهلوی از ترس انقلاب به اروپا گریخت. طرح بعدی به نام عملیات آژاکس، کودتایی موفق بود و استعمار انگلستان و قدرت جدید آمریکا توانستند که سلطنت پهلوی را دوباره برقرار کنند. عامل فعال و آشکار در آن کودتای فتنه‌گر و شرم‌آور شخصی بود با پرونده‌های شرارت و رذالت؛ یک به اصطلاح لات چاله میدان به نام شعبان جعفری که مردم به او شعبان بی‌مخ می‌گفتند و پهلوی به او لقب تاج‌بخش داده بود!

شرح این ماجرا دردناک است، زیرا سرنوشت ملی که می‌خواست آزاد و مستقل باشد، بر اساس شرارت‌های شعبان بی‌مخ و همپالکی‌هایش تعیین کرد و البته مضحک هم هست، چون که یک موجود بی‌سرو پا و رذل می‌شود تاج‌بخش سلطنت و پهلوان رسمی ایران؛ ایرانی که در سابقه پهلوانی خود رستم و سهراب، اسفندیار و بودای ولی را داشت. خسرو شاهانی که لقب استادی، برازنده ایشان است، شرح آن ماجرا را در داستانی به نام «پهلوان محله ما» آورده است. البته بنا به ضرورت، ماجرا را به کنایه گفته ولی نشانه‌ها چنان است که هر مخاطب آگاه به تاریخ ایران، موضوع را در می‌یابد.

□ گرفتاری اصلی من در انتخاب داستان‌ها، اشعار و متون طنز این بود که آثاری انتخاب شوند که بار و مفهوم اجتماعی و سیاسی داشته باشند؛ آن طور که کردار و سیاست‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی رژیم پهلوی را منعکس کنند. یعنی داستان‌های انتخاب شده زیبا اما پوچ - به تعبیر اخوان ثالث - نباشند. در عین حال

می‌بایست که مصداق بارز و برجسته طنز، طنزی فخیم و فاخر و آموزنده بوده و افزون بر آن همه، البته آثاری برجسته از لحاظ ساختار هم باشند. زیرا در ادبیات، هم «چه چیز» گفتن مهم است و هم «چگونه» گفتن!

چه بسیار موضوع‌های خوب که با زبانی شل و ول و ساختاری ضعیف، حیف شده و هدر رفته‌اند و برعکس چه بسیار داستان‌ها و شعرهایی که ساختار و زبان‌شان خوب و قوی است اما تالی‌جانی‌شان، می‌بینی که هیچ! زیبا ولی پوچ!

این سه شاخص توانان، یعنی آثاری با ساختار قوی و با محتوای اجتماعی و سیاسی و زبان و لحن طنز، کار را سخت می‌کرد و باز علاوه بر آن همه...

□ این هم بود که نمی‌خواستیم کار گردآوری را منحصر به انتخاب چند اثر کنیم و... تمام! می‌خواستیم که هنرجویان طنز و دانشجویان ادبیات نیز از این آثار، بهره‌های آموزشی ببرند. بنابراین بر هر داستان و شعر طنز، بررسی و تحلیل نوشته‌ام اما در این بررسی‌ها... □ باز، کار را آسان نگرفته‌ام، می‌دانم که رویکرد به نقد، متعدد است. رویکرد

ساختارگرا، رویکرد روانکاوی، رویکرد اساطیری و رویکرد مفهومی و محتوایی در نقد و بررسی آثار ادبی داریم، من رویکرد آخر را برگزیدم؛ زیرا بر اساس آن می‌توان علاوه بر شرح محتوا، به ساختار نیز پرداخت و بنابراین دانشجوی ادبیات و هنرجوی طنز، امکانی وسیع می‌یابد تا در مواجهه با اثری طنز بداند که: ۱. به چه می‌خندد؟ و ۲. چرا می‌خندد؟

□ باز، کار منحصر به تحلیل و ساختار نشده است! علاوه بر آن مثلاً در داستان «منیجه خانم» و یا «پهلوان محله» و خلاصه تمام داستان‌ها و شعرهای طنز (بخش فکاهی مجاز است) به زمینه‌های واقعی، زمینه‌های اجتماعی که باعث نگارش و ایجاد آن آثار شده است، پرداخته‌ام. به این دلیل که هر اثری، حتی آثار موسیقی که انتزاعی‌ترین نوع هنرند بر اساس زمینه‌های واقعی و موجود در روابط جمعی به وجود آمده‌اند. مثال ساده اینکه موسیقی پاپ و آثار ارزشمندی مثل «جمعه با صدای فرهاد» امکان بروز در صد سال پیش ایران را نداشت.

□ با شلیک تیر میرزا رضای کرمانی به ناصرالدین شاه، پایه جنبش مشروطه گذاشته شد. اینکه چه بر سر مشروطه آمد، بحث دیگری است اما در دوره پرتلاطم آن عهد، بسیاری آثار درختان طنز در داستان و شعر و هنر جدید کاریکاتور در ایران ایجاد شد. در دوره پهلوی نیز طنزنویسان و پژوهشگران برجسته زیادی داشتیم که وقتی نودگی و

هوچی گری و عوام فریبی به نام طنز و کمدی بازاری گرم یافته بود، آنها به اجبار گوش گرفته بودند و خون دل می خوردند و حتی به تدریج دق مرگ می شدند، اما متأسس هیچ کدامشان به رغم توانایی های فراوان، تلاش نکردند تا مجموعه ای از آثار قدر طنز در دوره مشروطه را گردآوری کنند. در آن صورت هر نویسنده، شاعر، فیلم نویس، نمایش نامه نویس، جامعه شناس و مردم شناس، مجموعه شسته رفته و منبع پژوهشی در اختیار داشت و حداقل یک خدا بیمارزی برای آن پژوهشگر می فرستاد.

□ برای این جانب باعث مباهات است که اولین نفر در ایران و تاریخ ادبیات که شروع به گردآوری مجموعه ای از آثار قدرتمند طنز و فکاهی در دوره پز کرده ام و علاوه بر آن، به نقد و بررسی آثار طنز در شعر و داستان، پرداخته ام. ناگفته نماند است که این نوع کارها، فقط بر اساس علاقه شدید، عشق و بر اساس ممدوح به قول افلاطون، شکل می گیرد. همه می دانند هزار تا از این پژوهش ها را و بدهی به بقال یک سیر پسر هم در عوض نمی دهد. حق التالیف - و یا به قول بابا حق التعلیف! - هم آن قدر نیست که حتی گاهی از صدها گره فرو بسته زندگی بگشهر که آمد بار خود را بست و رفت | ما همان بدبخت و خوار و بی نصیب باری، به هر حال، یکی از امیدهای من به آیندگان است که شاید قدر دان خورده ها و زحمت های بی اجر و مزد صدها نفر ارجمندتر از من باشند که رآسایش خود و خانواده بیچاره شان را بهوده فدا کردند که چی؟ که به خیال نگهبان فرهنگ و هنر ارجمند میهن باشند؟!!

«اگر خنده تان بگیرد حق دارید» و شاید آیندگان هم قدر دان نباشند، نباشند!

بعدالتحریر

□ از فرط اندوه چیزی نوشتم که نمی نوشتم هم مهم نبود. موضوعی اظهر من الظاهر است. شما نادیده بگیرید اما خوب شد که در آخرین لحظه یادم آمد، ۵۰ سال طنز و فکاهی و مقاله و کاریکاتور را در یک جلد نمی شود آورد. این مجموعه می باید یابد و... درست گفته اند که کرم از خود درخت است! یعنی با همه ناراحتی باز هم تمام نشده؛ دنبال ادامه اش هستم.

فعلاً حق نگه دار

با احترام، محمدعلی

طنز
در باره
پهلوی

۸